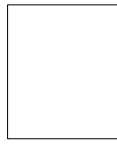


اروپا نگران گاز



گروه بین الملل

بدهی بسیار زیاد گاز مصرفی و کارشکنی در ترانزیت گاز و باج‌خواهی جست‌وجو کرد، که سبب خشم روسیه می‌شود. در حالی که اوکراین می‌توانست در تعامل با روسیه از این ابزار نفع بیشتری ببرد. اوکراین برای باج‌خواهی بیشتر، روسیه را با تقاضای عضویت در ناتو نیز تهدید کرده که سبب حساسیت بیشتر مسکو شده است.

در همین راستا، اوکراین تلاش بسیار دارد که با اتکا به کمک‌های غرب به ویژه آمریکا، فشارهای زیادی در راستای تضعیف روسیه و به نفع غرب وارد آورد. جدیت و پافشاری اوکراین برای عضویت در ناتو از جمله مواردی است که خشم روسیه را برانگیخته است. با وجود مخالفت مردم و دولت و پارلمان اوکراین در پیوستن به ناتو، یوشچنکو، رییس جمهوری نارنجی آن، اصرار به عضویت در ناتو دارد. با وجودی که در اجلاس‌های ناتو در بوداپست و بروکسل و دیگر نشست‌ها، این مساله با وجود تاکید آمریکا بر عضویت اوکراین، مورد مخالفت قرار گرفته و اعضای مهم اروپایی ناتو همچون فرانسه و آلمان، دو قدرت اقتصادی اروپایی که برای ادامه رشد اقتصادهای برتر خود نیاز به انرژی و مواد خام وارداتی و صادرات کالاها به بازارهای روسیه دارند، بر عدم عضویت گرجستان و اوکراین به ناتو پافشاری کرده‌اند.

روسیه نیز برای رهایی از وابستگی ترانزیت گاز خود به اوکراین در جنوب و لهستان در شمال، در حال احداث دو خط لوله جنوبی از طریق بالکان به دریای مدیترانه و نیز خط لوله شمالی از طریق بستر دریای بالتیک به سوی آلمان و اروپای غربی است، که در آن صورت لهستان را از ترانزیت و درآمدهای حاصل از آن محروم خواهد کرد؛ کشوری که در حال حاضر، محل استقرار سپر دفاع موشکی غرب علیه روسیه شده است.

... و اما، اوج نگرانی اروپا در برابر دیپلماسی انرژی روسیه در طول منازعه گازی روسیه و اوکراین قابل مشاهده است؛ چرا که اکنون روسیه نیمی از گاز طبیعی اروپا و یک سوم نفت آن را تامین می‌کند و در صورت نهایی شدن مسیرهای جدید خطوط لوله، خصوصاً خط لوله بستر دریای شمال، اروپا در تامین گاز تا ۸۰ درصد به روسیه وابسته خواهد شد.

اما در مقابل، اتحادیه اروپا از فقدان یک راهبرد مناسب، موثر و طولانی مدت رنج می‌برد. استراتژی انرژی روسیه بر پایه گسترش نفوذ این کشور در منطقه اروپای شرقی و کسب منزلت جهانی استوار است و در اختلاف گازی با اوکراین، نشان داد که قادر است همسایگانش را تهدید کند و منافع غرب را در منطقه به چالش بکشد.

در واقع، اختلافات گازی روسیه و اوکراین زمانی شدت گرفت که به دلیل اختلاف بر سر بدهی معوقه دو میلیارد دلاری اوکراین و همچنین در پی به توافق نرسیدن مسکو و کی‌یف بر سر قیمت گاز صادراتی شرکت گازپروم به اوکراین در سال ۲۰۰۹، روسیه صادرات گاز خود را از اول ژانویه ۲۰۰۹ متوقف کرد و بدین ترتیب هدیه کریسمس خود را به اروپاییان داد!!

اوکراین که در سال گذشته میلادی برای هر هزار

روسیه از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد است. به این ترتیب، آسیب‌پذیری کشورهای اروپای شرقی در برابر قطع پیش‌بینی نشده عرضه منابع انرژی، حملات تروریستی و توقف عرضه انرژی از سوی کرملین برای اعمال فشار سیاسی، بیشتر است.

در این میان، اوکراین با توجه به سابقه تاریخی و نقش مهم و اساسی‌اش در شکل‌گیری فرهنگ روسی با موقعیت جغرافیایی بسیار حساس در همسایگی مرزهای غربی روسیه، ارتباط زمینی روسیه را با اروپای شرقی و از آن طریق با اروپای غربی فراهم می‌کند. موقعیت کلیدی اوکراین به این کشور این امکان را داده است که به بازیگری تاثیرگذار در رابطه با برقراری ارتباط زمینی روسیه با اروپا تبدیل شود و از این رهگذر برای چانه‌زنی با روسیه و غرب بهره گیرد.

می‌دانیم که اوکراین با واردات و ترانزیت گاز از روسیه که عمده گاز صادراتی روسیه به اروپا از این طریق انجام می‌شود، ابزاری کنترلی برای تحمیل اراده سیاسی خود بر مسکو را در دست دارد. تنش در روابط دو کشور را می‌توان در اتهام روسیه به اوکراین مبنی بر دزدی گاز ترانزیتی،



انرژی در عصر کنونی یک منبع استراتژیک است و در سیاست‌های منطقه‌ای و استراتژی‌های جهانی، عاملی اثرگذار محسوب می‌شود.

این اهمیت روزافزون دلایل چندی دارد، از جمله اینکه تقاضا برای انرژی با افزایش جمعیت سیر صعودی به خود گرفته است و همچنین به واسطه رشد اقتصادی و مصرف صنعتی و شخصی، تقاضای انرژی نیز پیوسته در حال افزایش است. به علاوه، دیگر منابع انرژی جایگزین نتوانسته‌اند به میزان قابل ملاحظه‌ای از تقاضای جهانی برای سوخت‌های هیدروکربنی بکاهند. همچنان که الگوی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد با افزایش تقاضای انرژی در این کشورها، وابستگی آنان نیز به عرضه‌کنندگان خارجی نفت و گاز افزایش می‌یابد.

اگرچه انرژی منبع کمیابی نیست، اما از لحاظ ژئوپلیتیک عنصری کمیاب محسوب می‌شود، زیرا مناطق اصلی گاز و نفت در جهان محدود است و هزینه‌های استخراج، انتقال و قیمت انرژی نیز به گونه‌ای روز افزون افزایش می‌یابد. همچنین محدود بودن منابع انرژی روابط وابستگی را میان کشورها تقویت می‌کند و کشورهای نیازمند انرژی را در معرض فشارهای سیاسی، آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی‌های اقتصادی از جانب کشورهای عرضه‌کننده قرار می‌دهد.

شاید از این رو است که اروپا به شکل روزافزونی به سیاست‌های تامین‌کننده اصلی انرژی‌اش، یعنی روسیه وابسته می‌شود. در این زمینه، کشورهای اروپای شرقی در مقایسه با اروپای غربی وابستگی بیشتری به روسیه برای تامین نفت و گاز دارند تا جایی که پیش‌بینی‌ها حاکی است تا سال ۲۰۳۰، لهستان تا ۶۰ درصد و رومانی تا ۸۵ درصد به انرژی روسیه وابسته خواهند شد.

در حال حاضر، وابستگی اروپای شرقی به واردات گاز روسیه ۷۲ درصد و وابستگی اروپای غربی ۴۱ درصد است. در مورد نفت، وابستگی اروپای شرقی به روسیه ۸۷ درصد و اروپای غربی ۷۶ درصد است.

این آمار از وابستگی بیشتر اروپای شرقی در مقایسه با اروپای غربی به منابع انرژی روسیه حکایت دارد. علاوه بر این، وابستگی کشورهای اروپای غربی به منبع واحد انرژی از ۳۰ درصد تجاوز نمی‌کند، در حالی که وابستگی کشورهای مختلف اروپای شرقی به منابع هیدروکربن

پس از ارسال مجدد گاز به اوکراین، قرار شد که ناظرینی بین‌المللی از اتحادیه اروپا نیز بر این مسیر، نظارت داشته باشند. اما این توافق‌نامه نیز چندان بطول نکشید و بار دیگر روسیه صادرات خود به اوکراین و از آن مسیر به اروپا را دگربار به خاطر همان مشکلات به وجود آمده، قطع کرد.

در حال حاضر، چنین به نظر می‌رسد که هیچ راه حلی برای خاتمه‌ی مناقشات گازی بین دو کشور روسیه و اوکراین وجود ندارد. چندی پیش، شرکت روسی گازپروم مجدداً قیمت درخواستی خود را افزایش داد که با مبلغ مورد نظر اوکراین اختلاف زیادی دارد.

کشورهای روسیه و اوکراین یکدیگر را برای ممانعت انتقال گاز به غرب اروپا مقصر می‌دانند. در همین ارتباط، نماینده ویکتور یوشنکو، اذعان داشت در صورتی که طی ۱۰ الی ۱۵ روز آینده مساله گاز حل نشود، دچار مشکلات جدی برای قطع گاز خواهیم شد. در حال حاضر، ۸۰ درصد از گاز روسیه به اروپا از مسیر اوکراین صادر می‌شود.

مشاور اقتصادی یوشچنکو در گفت‌وگویی به روتترز گفت: دولت چک در کی‌یف از اتحادیه اروپا درخواست کرده است تا بار دیگر با میانجیگری به حل این مشکل کمک کند. وی همچنین به اتحادیه اروپا هشدار داد در صورتی که اکنون اتحادیه اروپا در این زمینه کمکی نکند، دولت روسیه نقش این اتحادیه را برای تامین انرژی غرب اروپا نادیده می‌گیرد. کشور روسیه می‌خواهد از این فرصت برای تحت فشار گذاشتن کشور اوکراین و دیگر کشورها استفاده کند.

... اکنون باید منتظر بود و دید که این مناقشه گازی تا به کجا و تا کی ادامه خواهد داشت و پیروز این میدان، چه کسی خواهد بود؟! شاید تنها درس برگرفته از این مناقشه، ایجاد فرصتی طلایی برای ایران و سهم این کشور در صادرات گاز به کشورهای اروپایی باشد که با کمی اعمال سیاست، می‌تواند این سهم را از آن خود کند. ▲

منابع: بلومبرگ، روتترز، دویچه وله، اکونومیست آنلاین

در حقیقت، می‌توان چنین گفت که روسیه با ابزار انرژی در صدد است تا اهداف استراتژیک خود را تحقق بخشد و بدین وسیله اولا قدرت خود را به کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق یادآور شود و ثانياً از گسترش حوزه نفوذ غرب و پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) در حیاط خلوت خود جلوگیری کند و به اهدافی که از زمان ریاست جمهوری پوتین در جهت دسترسی به آنها گام برداشت، نزدیکتر شود.

از این رو، کرملین تلاش می‌کند تا این کشورها را به دولت‌های ضعیف، منزوی و وابسته تبدیل کند و بدین وسیله این دولت‌ها را در روند تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا به حاشیه براند. استراتژیست‌های کرملین به تجربه دریافته‌اند که با استفاده از ترکیبی از فشارها، ترفندهای سیاسی و محرک‌های انرژی می‌توانند گرایش به سوی غرب را در کشورهای اروپایی شرقی معکوس سازند. در این راستا، روسیه سعی دارد از همه ابزارها برای نفوذ بر سیاست خارجی و امنیتی کشورهای اروپایی شرقی استفاده کند تا هرچه بیشتر این کشورها را به خود وابسته نماید و با ابزار انرژی به عنوان بازیگری مهم نقش‌آفرینی کند.

... اکنون با شدت گرفتن بحران گازی در اروپا، اتحادیه اروپا برای نخستین بار، تامین امنیت انرژی را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود اعلام کرده است. در همین ارتباط، ولادیمیر سوکور، کارشناس امور گازی، چنین می‌گوید: اروپا سرانجام پس از ده سال درک کرد که مساله خرید گاز از ایران و ترکمنستان، باید از سوی مقامات بلندپایه بروکسل، مستقیماً برنامه‌ریزی شود.

بر همین اساس، تاسیس شرکت «انرژی خزر» توسط دو شرکت «RWE» آلمان و «OMV» اتریش، نخستین اقدام قانونی و مثبت جهت صدور گاز حوزه دریای خزر است که توسط دولت‌های اروپایی، حمایت سیاسی و اقتصادی می‌شود. این شرکت قصد دارد نخست در خصوص صدور گاز حوزه دریای خزر به اروپا تحقیق کند؛ هر چند بسیاری از دیگر کارشناسان گازی اروپا، به نتایج خوب و سریع این شرکت، با دیده تردید می‌نگرند. از نظر این عده، حتی با تاسیس این شرکت و به بهره‌برداری رسیدن آن، سال‌ها طول خواهد کشید تا گاز این منطقه مستقیماً وارد بازار اروپا شود.

... و سرانجام پس از گذشت چهار روز از قطع گاز روسیه به اوکراین و اروپا، توافق‌نامه‌ای نه چندان محکم میان روسیه و اوکراین به امضا رسید که بر اساس آن،



مترمکعب گاز روسیه، ۱۷۹ دلار و ۵۰ سنت پرداخت کرده بود، قیمت مناسب برای این ماده را در سال جدید میلادی، ۲۰۰ تا ۲۳۵ دلار برای هر هزار مترمکعب ارزیابی کرد و این در حالی است که مسکو قیمت پیشنهادی خود را ۴۱۸ دلار برای هر هزار متر مکعب، عنوان کرده است.

اوکراین حدود ۸۰ درصد گاز روسیه را به اروپا منتقل می‌کند و همچنین واردات یک چهارم گاز مورد نیاز اروپا از طریق صادرات گازپروم حاصل می‌شود.

در این راستا، وزیر انرژی اوکراین برای حل اختلاف گازی آن کشور با روسیه، درخواست کمک کرده است. کشورهای اروپایی از این بیم دارند که بار دیگر ماجرای سال ۲۰۰۶ تکرار شود. در آن سال، اختلاف روسیه و اوکراین موجب مختل شدن صادرات گاز به کشورهای اروپایی و کمبود گاز در بسیاری از کشورهای اروپایی شد.

... اما، آن زمان که اتحاد نامبارک روسیه، آلمان و فرانسه در آغاز جنگ آمریکا علیه صدام حسین و عراق شکل گرفت، شاید کسی فکر نمی‌کرد که در مدتی کوتاه، این اتحاد، پیامدهای خاصی نیز در بخش اقتصادی خواهد داشت. در واقع، آن زمان، گرهارد شرودر، صدراعظم وقت آلمان، اعضای اتحادیه اروپا را متقاعد ساخت که که پوتین کاملاً اروپایی شده و اقتصاد روسیه دیگر در چنگ دولت نیست و می‌توان با او اتحادی گازی برقرار کرد.

بدین ترتیب بود که «گاز پروم» به آرامی و با حرکتی نرم و با یک استراتژی از پیش تعیین شده، اتحادیه اروپا را به خود وابسته کرد. اما اروپایی‌ها غافل از این مساله بودند که گازپروم با تمام قدرتش همچون مومی در دستان پوتین است و این اقتصاد از چنگ دولت، بیرون آمدنی نیست! و پوتین توانست طی دو مرحله با قطع گاز اوکراین، اروپاییان را در شرایط برف و سرما به وحشت اندازد.

این مساله باعث شد تا سران اتحادیه اروپا، وحشت خود از انحصاری شدن صادرات گاز توسط روسیه را نشان داده و روی خود را به منابع دیگر در آسیای میانه و ایران بچرخانند. ... و این در واقع، شانس است که در یک دوره کوتاه‌مدت به ایران روی آورده است که بتواند سهم خود را از صادرات این ماده حیاتی در بازارهای جهانی افزایش دهد. چون حتی اگر صادرات گاز از سوی روسیه بار دیگر برقرار شود، احتمال قطع مجدد آن، باز وجود دارد.

